

تبیین رابطه هویت اسلامی و سیاست امنیتی ایران در عراق و سوریه با روش تحلیل اسنادی

محسن بیات^۱ - ابراهیم طاهری^۲ - مهدی ذوالفقاری^۳

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

چکیده

سیاست امنیتی ایران در عراق و سوریه با تکیه بر سازماندهی و آموزش نیروهای شبه نظامی، اعزام مشاوران بلند پایه و نقش آفرینی مستقیم، متمایز و منحصر به فرد شده است. این سیاست مورد توجه محافل سیاسی و علمی قرار گرفته و پرسش‌های مهمی در مورد چرایی آن مطرح شده است؛ چرا ایران در کشورهایی همانند سوریه و عراق سیاست امنیتی متفاوتی دارد؟ در پاسخ به این پرسش، تبیین‌های فراوانی در چارچوب نظریات مادی‌نگر مطرح شدند. هدف این مقاله ارائه تبیینی تفسیری و بدیل با روش تحلیل اسنادی است. این روش علاوه بر طرح دقیق پرسش، هدف و فرضیه تحقیق، شامل ارائه یک چارچوب فکری تعاملی-دیالکتیک با هدف هدایت پژوهش، انتخاب منابع دارای ویژگی‌های اصالت، اعتبار، نمایندگی و معنا، گردآوری داده‌ها بر اساس روش «تحلیل محتوا» و پردازش داده‌ها و نتیجه‌گیری از آنها می‌شود. این تبیین مبتنی بر این فرضیه است که مهمترین عامل شکل‌دهنده به سیاست امنیتی ایران، هویت اسلامی است و بی‌ثباتی فزاینده در منطقه و خلاء قدرت به عنوان متغیر میانجی تنها فرصتی برای تأثیرگذاری ملموس تر هویت اسلامی بر سیاست امنیتی فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: سیاست امنیتی، ایران، هویت اسلامی، روش تحلیل اسنادی، سازه‌انگاری

مقدمه

از ماه مارس سال ۲۰۱۱ که اعتراضات علیه حکومت سوریه آغاز شد، ایران به عنوان حامی اصلی آن وارد عمل شد. تا اواخر سال ۲۰۱۲، حمایت ایران بیشتر در قالب کمک‌های فنی و مالی بود اما بیشتر این کمک‌ها توسط نیروهای سپاه قدس انجام می‌گرفت. نقش سپاه قدس در تشکیل «نیروهای دفاع ملی»، سازمانی شبه‌نظامی که در کنار ارتش سوریه می‌جنگد، بی‌بدیل بوده است (Shahidsaless, 2015). در اوایل سال ۲۰۱۳، ایران با اعزام مشاوران نظامی به سوریه با هدف حمایت لجستیک و آموزشی از نظامیان دولت اسد، نقش نظامی پررنگ تری پیدا کرد (Bassiri Tabrizi & Pantucci, 2016: 4). این نقش از طریق اعزام مستقیم فرماندهان نظامی بلندپایه (Bulos & McDonnell, 2015: 3)، بسیج و سازماندهی شیعیان افغانستانی و پاکستانی، همکاری با حزب الله لبنان، سازماندهی گروه‌های شبه‌نظامی مانند فاطمیون و زینبیون (Moslih, 2016) افزایش یافته است.

در ماه آوریل سال ۲۰۱۶ تخمین زده می‌شد شبه‌نظامیانی که در سوریه به صورت مستقیم تحت فرماندهی ایران هستند، بیشتر از ۹ هزار تن باشند (Bassiri Tabrizi & Pantucci, 2016: 5). اکنون سپاه پاسداران و شورای امنیت ملی ایران دو نهادی هستند که سیاست ایران را در قبال سوریه تعیین می‌کنند (Naylor, 2016). سیاست امنیتی ایران در قبال عراق هم منحصر به فرد است. با گسترش قلمرو و حوزه نفوذ تروریست‌ها در عراق، قدرت گرفتن گروه‌های مخالف ایران در صحنه سیاسی و افزایش احتمال تقسیم عراق، سیاست امنیتی ایران نسبت به این کشور تغییر کرده است (Esfandiary & Tabatabai, 2015). این سیاست از «رهبری از پشت جبهه»^۱ با تکیه بر حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی به «حضور نظامی مستقیم» با تکیه بر اعزام نیروی نظامی و سازماندهی و آموزش نیروهای شبه‌نظامی تغییر کرده است (Esfandiary & Tabatabai, 2015: 8). افزایش نقش گروه‌های شبه‌نظامی شیعه تحت فرماندهی ایران مانند «سپاه بدر»، «ارتش مهدی»، «حرکت النجباء» و «کتاب حزب الله» (Taleblu, 2015: 3)، حضور علنی فرماندهانی مانند سردار «قاسم سلیمانی» و گسترش نیروهای «مدافع حرم» نشان از همین تغییر دارد. تخمین می‌زنند که تعداد شبه‌نظامیان شیعه عراقی تحت حمایت ایران در سال ۲۰۱۷ به ۱۱۰ تا ۱۲۰ هزار تن رسیده است (Katzman, 2017: 32). تهدید حرم‌های ائمه شیعیان توسط تروریست‌ها منجر به افزایش حضور نظامی ایران و علنی‌تر شدن آن شده است. این تغییرات در سخنان مقامات ایرانی و عراقی مشهود است (پرس تی وی ۲۹ آذر ۱۳۹۵، ایرنا، ۲۹ مهر ۱۳۹۳، Reuters, 27 Aug 2014, BBC 21 Oct 2014).

1. Leading from Behind

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا ایران در این کشورها سیاست امنیتی متفاوتی در پیش گرفته است؟

بسیاری از محققان، نقش ایران را بر مبنای مکتب واقع‌گرایی و با مفاهیمی همانند بازدارندگی، دفاع پیشدستانه، راهبرد پیشگیرانه (مومن زاده، ۱۳۹۲؛ مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴؛ Ospina & Gray, 2016; Al-Khoei, 2016; Fulton, 2013; 2016) و نظریاتی مانند مکتب کپنهاگ و نظریه امنیت منطقه‌ای «باری بوزان»^۱ (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳؛ نیاکویی و ستوده، ۱۳۹۴) تحلیل می‌کنند. در این تحلیل‌ها، نقش هویت^۲ در شکل‌دهی به سیاست امنیتی ایران در حاشیه است، بنابراین ضرورت تحقیقی با رویکردی متفاوت احساس می‌شود. در این مقاله، برای تحلیل سیاست امنیتی ایران رویکرد بدیلی مطرح می‌شود؛ هویت مبنای سیاست امنیتی ایران است. سیاست امنیتی همانند هر نوع سیاست دیگری ریشه در هویت دارد؛ سیاست امنیتی ایران هم به عنوان یک کشور اسلامی، ریشه در هویت اسلامی آن دارد. در رابطه بین هویت و سیاست امنیتی بر چهار بعد تأکید می‌شود: تأثیر هویت بر تعریف منافع امنیتی، تأثیر هویت بر تعریف تهدیدات، تأثیر هویت بر مبانی و اصول سیاست امنیتی و تأثیر هویت بر نگرش امنیتی دیگران. با بررسی این چهار بعد، به دنبال پاسخ به پرسش مطرح شده هستیم.

روش پژوهش

در این مقاله از روش «تحلیل اسنادی»^۳ استفاده می‌شود که بر مطالعه هدفمند و نظامند منابع مبتنی است و محور آن جستجوی توصیفی و تفسیری است. اما می‌توان با آن به تحلیل تبیینی نیز دست زد و پرسش‌های «چرایی» را پاسخ داد و نوعی تبیین تفسیری، و نه اثبات‌گرایانه، ارائه کرد. (فسایی، ۱۳۹۴). با این روش می‌توان از توصیف صرف فراتر رفت و دست به تحلیل و تفسیر زد. در مرحله نخست این روش، طرح پرسش و هدف تحقیق به صورت شفاف ضروری است که در مقدمه بیان شدند. در مرحله دوم، چارچوبی نظری انتخاب می‌شود زیرا راهنمای محقق در بین منابع است و مسیر پژوهش را مشخص کند (Austin, 2008). در این مقاله، چارچوب نظری «سازهانگاری» انتخاب شده است.

گام سوم در اجرای روش تحلیل اسنادی، تعیین و ارزیابی منابع است که بر پایه چهار محور

1. Barry Buzan
2. Identity
3. Documentary Research

صورت می‌گیرد: اصالت^۱، اعتبار^۲، نمایندگی^۳ و معنی^۴ (Scott, 2006). در این مقاله تلاش شده که منابع دست اولی مانند قرآن و نهج‌البلاغه محور باشد زیرا در اصالت و اعتبار آنها تردیدی نیست. همچنین منابع دست دوم از کتاب‌های فقیهان مشهور که اصالت، اعتبار، نمایندگی و معنای آنها کمتر مورد تردید بوده، انتخاب شدند. گام چهارم، گردآوری داده‌ها است که با روش «تحلیل محتوا» صورت می‌گیرد زیرا این روش، برای توصیف منظم، عینی و کمی محتوای ارتباطات مفید است (باردن، ۱۳۷۳: ۳۵). نمونه‌گیری از منابع هدفمند است و بر مبنای واژگان کلیدی و چارچوب نظری انجام می‌گیرد. گام پنجم، پردازش داده‌ها و نتیجه‌گیری است که بر مبنای چارچوب نظری انجام می‌شود.

چارچوب نظری؛ ابعاد تأثیر هویت بر سیاست امنیتی

امنیت در لغت به معنای ایمن بودن و نداشتن بیم و هراس (معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲)، داشتن اطمینان و آرامش خاطر و همچنین آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳) است. امنیت مصونیت از تعرض و نبود هراس نسبت به حقوق و آزادی‌ها است.^۵ امنیت ملی به طور کلی عبارت است از «توانایی جامعه برای صیانت از موجودیت فیزیکی، زیستی و معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم، سرزمین و نظام سیاسی و ارتقا و بهینه‌سازی آن در قبال تهدیدات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی» (کریمی مله، ۱۳۸۹: ۸۶). یکی از بخش‌های مهم امنیت ملی، احساس امنیت در مورد «هویت» است که خود شامل ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، سیاسی، وابستگی‌های سرزمینی و تاریخی می‌شود. امنیت ملی امری اجتماعی و متکثر است که تمامی شهروندان با مجموعه باورها،

1. Authenticity
2. Credibility
3. Representativeness
4. Meaning

۵. مفهوم امنیت ملی همچنان مبهم (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷) و ارائه یک تعریف مشخص دشوار است (Wolfers, 1952: 481). لیپمن گفته است: «ملتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را ادامه دهد» (قاسمی، ۱۳۷۲: ۵۹-۵۸). ماندل نوشته است: «امنیت شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است» (Mandel, 1994: 83). کوپر «امنیت ملی را توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌هایش تعریف می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۱: ۴۷). بلانی نوشته است: «امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ» (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۶). مارتین گفته است: «امنیت تضمین رفاه آتی است.» مورز معتقد است که امنیت «رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش» است. ولفرز امنیت را در معنای عینی «فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده» و در معنای ذهنی «نبود هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد»، تعریف کرده است (Wolfers, 1962: 150). داوید نوشته که «امنیت خلق وضعیتی که در آن فرد یا جمعی احساس آسیب‌پذیری و تهدید نکنند و ابزار رفع تهدید در اختیار داشته باشند (دومینیک، ۱۳۸۴: ۱). داریوش آشوری نوشته است: «امنیت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله است» (آشوری، ۱۳۸۸: ۳۸).

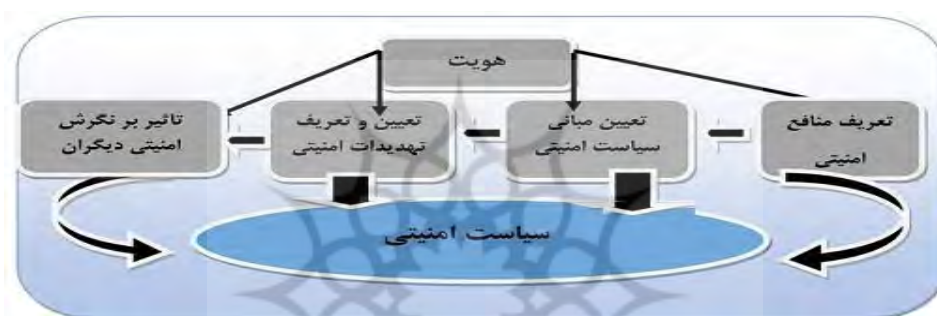
ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و انتخاب‌هایشان می‌تواند آن را تقویت و یا تضعیف کنند (Katzenstein, 1996: 145). بنابراین سیاست امنیتی رابطه تنگاتنگی با هویت ملی و ارزش‌های یک ملت دارد. با توجه به این مطالب، مناسب‌ترین چارچوب نظری برای تحلیل تعامل بین هویت اسلامی و سیاست امنیتی ایران «سازهانگاری»^۱ است. «هستی‌شناسی»^۲ مکتب سازهانگاری مبتنی بر این مفروضه است که «نظام‌های ارزشی و فکری» به اندازه «ساختارها و امکانات و محذورات مادی» در تعریف سیاست‌ها اهمیت دارند. به طور منطقی سیاست امنیتی هم از این قاعده مستثنی نیست؛ نه تنها امکانات و محذورات مادی داخلی و خارجی بلکه ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و نگرش‌های کنشگران به منافع و کنش‌های آنها شکل می‌دهند (Checkel, 2008: 73). این مفروضه خود مبتنی بر این باور است که انسان موجودی ارزشی و ارزش‌پذیر است و دولت‌ها دارای این ویژگی انسانی هستند.

معرفت‌شناسی^۳ سازهانگاری راهی میانه بین «اثبات‌گرایی»^۴ و «پسا اثبات‌گرایی»^۵ است و در پی تأیید رابطه تأثیرگذاری نظام ذهنی، باورها، الگوها و هنجارها بر رفتار سیاسی است (Wendt, 1999: 274). به جای تأکید بر قدرت دولت‌ها یا توزیع قدرت بر هویت آنها تأکید می‌شود. در پژوهش‌های دارای این رویکرد هویت متشکل از هنجارها و ارزش‌ها، متغیر مستقل و سیاست (خارجی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی)، متغیر وابسته است. پس بر مبنای این دیدگاه، عامل اصلی در تغییر سیاست امنیتی ایران در دو دوره قبل و پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، تغییرات هویتی است.

هویت و سیاست امنیتی از چند جنبه با هم مرتبط می‌شوند. نخستین تأثیر هویت بر سیاست امنیتی در زمینه تعریف منافع امنیتی است. منافع امنیتی پدیده‌ای بین‌ذهنی، برساخته و اجتماعی است که تعیین اولویت‌ها و مصادیق آن هم با بررسی الگوها، ارزش‌ها، پیش‌فرض‌های شکل دهنده به هویت امکان‌پذیر است (کترنشتاین، ۱۳۹۰: ۱۳). بنابراین هویت‌ها پایه و اساس منافع هستند و کشورها بر اساس هویتی که دارند، منافع خود را تعریف می‌کنند (Smith, 2001: 226). مسلماً با تغییر هویت، منافع امنیتی نیز تغییر می‌کند. یک کشور در دوران‌های متفاوت با هویت‌های مختلف مسلماً منافع امنیتی متفاوتی دارد. هویت‌ها هم منافع را ایجاد می‌کنند و هم به آنها شکل و قوام می‌دهند. برخی منافع مانند بقا، کم و بیش عام‌اند و خارج از هویت‌های اجتماعی خاص وجود دارند. اما بسیاری از منافع امنیتی به یک برسازگی خاص از هویت شخصی

1. Constructivism
2. Ontology
3. Epistemology
4. Positivism
5. Post-positivism

در ارتباط با هویت تصور شده بستگی دارند (کترنشتاین، ۱۳۹۰: ۹۶-۹۵). برای مثال، ایران در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی سال ۵۷، که دارای دو هویت متفاوت بود، تعاریف متفاوتی از منافع ملی داشته است. هویت همچنین اصول و مبانی سیاست امنیتی یک کشور را تعیین می‌کند. «بازتاب مبانی هویتی هر کشوری را می‌توان در اصول مربوط به قانون اساسی آن کشور یافت» (katzenstein, 1996: 97). بر همین اساس مهمترین مبانی جمهوری اسلامی ایران از هنجارهای هویتی نشأت گرفتند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۶) که برخی از آنها بر سیاست امنیتی تأثیر گذاشته‌اند. مبانی سیاست امنیتی یک کشور با هویت اسلامی - انقلابی با یک کشور دارای هویت غیر اسلامی و حتی اسلامی - غیرانقلابی متفاوت است.



شکل ۱: تأثیرات هویت بر سیاست امنیتی

تأثیر دیگر هویت بر سیاست امنیتی از طریق تعیین و تعریف تهدیدات امنیتی صورت می‌گیرد. هویت از طریق تعریف تهدیدات، مرزهایی بین «ما» و «دیگران» و یا «متحدان» و «دشمنان» می‌کشد. تصور و ادراک تهدید در بین کنشگران ناشی از ارزش‌ها، الگوها، نقش‌ها و انگاره‌هایی است که هر هویتی بر دارندگان خود تحمیل می‌کند (Rousseau, 2007: 745) است. هویت دربردارنده نظام ارزشی و قضاوتی است که معیارهایی را هم در عرصه ملی و هم فراملی برای تفکیک «خودی‌ها» از «دیگران» و «تهدیدات» از فرصت‌ها فراهم می‌کند. بر اساس همین ملاک‌ها رفتارهای دیگران به عنوان تهدید یا فرصت تلقی می‌شود (Moshirzadeh, 2007: 156). به همین علت با انقلاب‌های بنیادین و یا تغییر هویت، تعریف کشورها از تهدیدات امنیتی نیز تغییر می‌کند. این خود متأثر از بازتعریفی منافع امنیتی و اصول سیاست امنیتی تحت تأثیر تغییرات هویتی است. به همین خاطر، معمولاً با تغییر هویت یک کشور، متحدان قدیمی ممکن است به منشاء تهدید و تهدیدات گذشته به فرصت تبدیل شوند.

چهارمین مسیر تأثیر هویت بر سیاست امنیتی، از طریق تأثیر آن بر نگرش امنیتی کنشگران دیگر است. هویت و نگرش دیگران رابطه تعاملی دارند؛ هویت بویژه در دوران تکوین، از نگرش و رفتار دیگران تأثیر می‌پذیرد و پس از تکوین، بر نگرش دیگران نسبت به «خود» تأثیر دارد (Wendt, 1994: 384). تغییر هویت یک کشور می‌تواند آن را از فهرست تهدیدات امنیتی کشورهای دیگر خارج و یا به این فهرست اضافه کند. نویسندگان سازه‌انگار بر هویت مشترک میان دولت‌ها به عنوان عامل مهم قوام اتحادها تأکید می‌کنند (رسولی ثانی آبادی، ۱۹۹۳: ۱۷۶). اندیشمندانی مانند ونت و کانت که با تأکید بر هویت مشترک و ادراک مشترک از تهدید به تبیین اتحادها پرداختند، بر پایه همین تأثیر هویت بر نگرش دیگران نظریه‌پردازی کردند (Wendt, 1994; Kant, 2001). برای مثال، نگرش امنیتی کشورهای غربی به ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی بسیار با هم متفاوت بوده‌اند. برعکس کشورهایی که قبل از تغییر هویت ایران از طریق انقلاب، این کشور را تهدید امنیتی تلقی می‌کردند بعد از این تغییر، ایران را از فهرست کشورهای تهدیدکننده خارج و حتی متحد خود علیه غرب تلقی کردند.

بررسی تأثیر هویت اسلامی بر سیاست امنیتی ایران در ابعاد بیان شده، ابتدا مستلزم بررسی هویت اسلامی با هدف شناسایی ارزش‌ها، اصول و مبانی آن در زمینه سیاست امنیتی است. از این رو، بخش بعدی به بررسی همین موضوع اختصاص داده شده است.

هویت اسلامی؛ مبانی، اصول و ارزش‌های سیاست امنیتی

مفهوم اسلامی امنیت

اندیشمندان و فقهای اسلامی تعریفی ارزش‌محور از امنیت دارند و امنیت را به طور خلاصه «توانایی برای حفاظت از ارزش‌ها در برابر تهدیدات» تلقی می‌کنند (عیسی نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۹). این تعریف نه تنها ارزشی بودن امنیت در اسلام بلکه رابطه نزدیک آن به توانایی دفع تهدیدات یا همان دفاع را نشان می‌دهد. امنیت در اسلام ابعاد مختلفی چون فردی، اجتماعی، ذهنی و غیره دارد. بعد مهم امنیت اسلامی که با موضوع این مقاله مرتبط است امنیت در برابر سلطه‌گری است که شامل سلطه داخلی (طاغوت) و سلطه خارجی است. در اینجا بعد خارجی سلطه‌گری مورد تأکید است. این نوع امنیت در اندیشه سیاسی اسلام نیز به صورت سلبی، با ایجاد مصونیت نسبت به تهدیدات و تجاوزات دشمنان جامعه اسلامی و به صورت ایجابی، با زمینه‌سازی همزیستی و صلح میان جامعه اسلامی و جوامع غیراسلامی، فراهم می‌آید. جهاد به مثابه سازوکار تأمین امنیت

به صورت سلبی، در اسلام جایگاه محوری دارد (تقی‌لو و آدمی، ۱۳۸۹: ۵۷). این بعد امنیت در اسلام، به صورت جهاد دفاعی تبلور یافته است (آیت‌الله جزایری، ۱۳۷۹: ۱۳).

واژه دفاع به معنی «دور کردن» و «دفع کردن» است (بندر ریگی، ۱۳۷۴: ۴۷۵) و در اصطلاح فقهی «مقابله با کسی است که می‌خواهد نسبت به جان و ناموس و مال مسلمانی تعدی کند» (شهید ثانی، ۱۲۵۴، جلد ۲: ۳۷۸). در فقه اسلامی دفاع بخشی از موضوع جهاد است. جهاد از واژه «جهاد» گرفته شده و از نظر معنا به معنی کوشش با هزینه کردن جان و مال است؛ به عبارت دیگر، به معنای گذشتن از مال و جان و تلاش برای رسیدن به اهداف است (قرشی بنایی، ۱۳۷۱: ۷۷). در اصطلاح فقهی عبارت است: «نهایت کوشش با جان و مال در مسیر مقابله با دشمنان حق و با هدف اعتلاء کلمه الله و از بین بردن آیین شیطانی» (اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۰۱). بنابراین دفاع و جهاد در اسلام دو موضوع بسیار نزدیک به هم هستند که همدیگر را پوشش می‌دهند و جهاد به نوعی دفاع محسوب می‌شود (سبحانی، ۱۳۶۷: ۳).

اصول سیاست امنیتی در قرآن

قرآن امنیت را یکی از اهداف مهم حاکمیت الله، امامت و جهاد می‌داند. وعده «ایمنی کامل» برای مسلمانان در زمان خلافت حضرت مهدی (عج) در آیه ۵۵ سوره نور^۱ و تأکید بر اعطای امنیت به مسلمانان به عنوان نتیجه جهاد در آیه ۹۳ سوره بقره^۲، نشان از اهمیت امنیت در قرآن دارد (ولی پور زرومی، ۱۳۷۸؛ ۳۴۲). سیاست امنیتی در اسلام به جهاد و دفاع تکیه دارد. به گفته فقها، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ بقره^۳ وجوب جهاد دفاعی را نشان می‌دهد و مجوزی برای جنگ با دشمنان اسلام است. این آیه زمانی نازل شد که مشرکان مکه بر اساس صلح «حدیبیه»، متعهد شده بودند

۱. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَيْفَ كَانَ دِينُهُمْ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند، هم چنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد. و دینشان را- که خود برایشان پسندیده است- استوار سازد. و وحشت‌شان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند. و آنها که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمانند.»

۲. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ آنْتَهُمْ فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ. با آنها بجنگید تا فتنه‌ای نباشد (تا ریشه شرک کننده شود) و آیین و اطاعت تنها از آن خدا باشد. پس اگر (از شرکشان) باز ایستادند، تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

۳. قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتلونكم و لا تعدوا ان الله لا يحب المعتدين و اقاتلوهم حيث تقفتموهم و اخرجوهم من حيث اخرجوكم و الفتنة اشد من القتل و لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتى يقاتلوكم فيه فان قاتلوكم فاقتلوهم كذلك جزاء الكافرين». در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد. و آنان را هر کجا یافتید بکشید و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید و فتنه از کشتار بدتر است و کنار مسجد الحرام با آنان نجنگید مگر آن که در آن جا با شما بجنگند، پس اگر با شما وارد جنگ شدند آنان را بکشید که کیفر کافران همین است.

که از سال آینده اجاز دهند مسلمانان برای زیارت کعبه با داشتن امنیت جانی به مکه سفر کنند. پیامبر به مشرکان اطمینان نداشت و احتمال عهدشکنی را می‌داد. از طرف دیگر، ایشان مایل به جنگ در ماه حرام نبودند. به اعتقاد فقها، خداوند در آیه دوم دفع فتنه مشرکان را مهم‌تر از ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام اعلام کرده و نگرانی پیامبر مرتفع شده است (اردبیلی، ۱۳۶۲: ۳۹۳). محقق اردبیلی حتی احتمال شمول این آیه نسبت به «دفاع شخصی از جان و مال در برابر محارب» را نیز مطرح کرده است. از نظر وی حتی حرام بودن محل جنگ یا زمان وقوع جنگ در جهاد دفاعی بلامانع است (اردبیلی، ۱۳۶۲: ۳۹۴).

علامه طباطبایی هم در تفسیر این آیات گفته است که خداوند جهاد دفاعی را ضروری کرده است. ایشان معتقدند که طبق این آیات، مسلمانان باید با افرادی که حالت تخصمی علیه آنها دارند و تهدیدند، هر چند اقدام به جنگ نکرده‌اند، بجنگند. وی این آیه را از نظر سیاق مانند آیه ۳۹ سوره حج^۱ می‌داند (طباطبایی، ۱۳۴۴، جلد دوم: ۶۰). نکته مهم آیه ۱۹۱ این است که بازپس‌گیری سرزمین‌های اسلامی از دست مشرکان ضرورت دارد (رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۶۶۷).

آیه دیگری که فقها در مورد احکام جهاد به آن رجوع می‌کنند، آیه ۱۲۳ سوره توبه^۲ است. طبرسی در مورد این آیه گفتند که مسلمانان هر سرزمینی وظیفه دارند در برابر دشمنان اسلام در مجاورت خودشان بجنگند. حتی اگر امام عادل در بین آنان نباشد (طبرسی، ۱۳۷۵: ۸۴). علامه طباطبایی هم گفته‌اند که این آیه امر به جهاد عام است که یکی از نتایج آن گسترش اسلام است. طبق این آیه هر طائفه‌ای از مؤمنان وظیفه دارد با کافرانی که در مجاورت آنها هستند، بجنگند تا اسلام گسترش یابد و سراسر گیتی را در بر بگیرد (طباطبایی، ۱۳۴۴ جلد نهم: ۴۰۴). از این آیه برداشت می‌شود که در نبرد با دشمنان اسلام، دشمنانی که به مسلمانان نزدیک‌ترند و خطرشان بیشتر است، در اولویت قرار دارند.

همچنین آیه ۶۰ سوره انفال^۳ هم در مورد سیاست امنیتی مهم است. به گفته فقها این آیه آمادگی و تجهیز نظامی را به مسلمانان امر می‌کند تا دشمنان خدا از قدرت آنان در هراس باشند.

۱. «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا...» به کسانی که مورد هجوم و جنگ قرار می‌گیرند اجازه [جنگ برای دفاع از خود] داده شده؛ به این دلیل که مورد ستم قرار گرفته‌اند و البته خداوند بر یاری دادن به آنان تواناست.
 ۲. «یا ایها الذین امنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیجدوا فیکم غلظة...». ای مؤمنان با کافرانی که همجوار شما هستند بجنگید. آنان باید در شما سرسختی و صلابت احساس کنند. بدانید که خداوند با تقوای پیشگان است.
 ۳. «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم...». «برای کافران، هرچه از نیرو و اسبان کارآمد دارید آماده کنید! تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید ولی خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید، و هرچه در راه خدا [برای بنیة دفاعی] هزینه کنید پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود و مورد ستم قرار نمی‌گیرید».

وقتی آمادگی نظامی به هر وسیله بر مسلمانان واجب باشد، به طور قطع دفاع در برابر تجاوز که هدف مهم آمادگی نظامی است، واجب است. در آیه ۶۰ انفال وجوب دفاع در برابر تجاوز مسلم فرض شده و به همین منظور دستور آمادگی نظامی داده شده است.

آیه ۱۴۱ سوره نساء^۱ یکی دیگر از آیات مرتبط با سیاست امنیتی است. به عقیده مفسران، این آیه هر نوع سلطه کافران بر مسلمانان را نفی کرده است. شیخ طوسی و مراغی این آیه را در مقام انشاء تلقی کردند؛ به این معنا که خداوند هیچ قانونی را جعل نکرده که در پرتو آن کافر بر مسلمان سلطه یابد. به همین خاطر مسلمانان باید با عمل به قوانین الهی از هرگونه سلطه‌پذیری در برابر دشمن پرهیزند. فقها با استفاده از این آیه و دلایل دیگر قاعده «نفی سبیل» را استخراج کرده و هر نوع ولایت کافر بر مسلمان را نفی کرده‌اند. از آن جمله ازدواج زن مسلمان با مرد کافر، مالکیت کافر بر عبد مسلمان، انعقاد هر پیمانی که موجب سلطه کافران بر مسلمانان باشد و مانع بودن کفر برای وراثت. اسلام هیچ‌گونه سلطه‌ای را که کافر بر مسلمان پیدا کند، به رسمیت نشناخته، بلکه ولایت و عزت مسلمین را بر همه مورد تأکید قرار داده: «ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین»^۲. مسلمانان مجاز نیستند سلطه کافران را بر خود و سرزمین‌های اسلامی بپذیرند. گرچه هر انسانی بصورت تکوینی آزاد است، اما مسلمان تشریحاً حق پذیرش سلطه کافر را ندارد. سیره اولیای دین و فقها نیز چنین بوده، در برابر هر قانون، سیاست و حرکتی که از آن بوی سلطه کفار و زیر پا رفتن استقلال و عزت مسلمانان به مشام می‌رسیده، عکس‌العمل نشان داده‌اند.

با تأمل در آیاتی که بررسی شد و آیاتی دیگر از قرآن کریم، محققان اصول و ارزش‌هایی را استخراج کردند که بخشی از هویت اسلامی و راهنمای سیاست امنیتی اسلامی هستند؛ (۱) اصل مبارزه با جنگ افروزان (آیات ۱۹۱، ۱۹۳ و ۲۱۷ سوره بقره، آیه ۳۹ سوره انفال و آیه ۷۵ سوره نساء)؛ (۲) اصل ظلم‌ستیزی (آیه ۸۲ سوره انعام و آیه ۱۴۷ سوره نساء)؛ (۳) اصل عدالت‌طلبی (آیه ۲۵ سوره حدید و آیه ۱۲۴ سوره بقره)؛ (۴) اصل هوشیاری و پیشگیری (آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ سوره بقره، آیه ۳۹ سوره حج و آیه ۶۰ سوره انفال) (لک‌زایی، ۱۳۸۵).

سیاست امنیتی پیامبر (ص)

پیامبر (ص) به تأمین امنیت مسلمانان اهمیت زیادی می‌دادند. پیامبر (ص) بعد از بعثت دو حوزه جغرافیایی امنیتی داشت: مکه و مدینه. راهبردهای ایشان در این دو حوزه متفاوت بود. این

۱. «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً». «خداوند هرگز هیچ سلطه‌ای را به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.»

۲. «عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است.»

تفاوت مبتنی بر وضعیت متفاوت این دو شهر بود:

سیاست امنیتی پیامبر (ص) در مکه

زمانی که حضرت محمد (ص) به رسالت برگزیده شد. دعوت به اسلام را در سایه مخالفت‌ها در مکه آغاز کردند. پیامبر (ص) در مقابله با واکنش‌های خصمانه مشرکان در برابر گسترش اسلام دو راهبرد عمده برگزید: دعوت مخفیانه و هجرت.

الف) دعوت مخفیانه: در سه سال نخست رسالت پیامبر راهبرد اصلی برای گسترش اسلام «دعوت مخفیانه» بود. دعوت مخفیانه از این جهت سیاست امنیتی بود که هدف نخست آن گسترش اسلام همزمان با حفظ امنیت مسلمانان بود. مهمترین دلیل انتخاب این سیاست، نداشتن قوای نظامی و اندک بودن مسلمانان (و نبود امکانات نظامی) برای مقابله با حملات احتمالی مشرکان بود. اگر این سیاست امنیتی نبود، اسلام در نطفه خفه می‌شد، زیرا بدعتی بزرگ در سرزمین اعراب آن زمان بود (ابن هشام، ۱۳۶۰: ۳۲۱).

ب) هجرت: در وضعیتی که مشرکان مکه فشار بر مسلمانان را زیاد کرده بودند و در فکر قتل پیامبر بودند، هجرت به عنوان یک راهبرد امنیتی انتخاب شد. تغییر کانون اصلی زندگی مسلمانان از سرزمینی ناامن (مکه) به سرزمینی امن (مدینه) با توجه به نبود سازماندهی نظامی - دفاعی در بین مسلمانان راهبرد موفقیت‌آمیزی بود. همین راهبرد منجر به گسترش اسلام از مدینه به سرزمین‌های دیگر در سال‌های بعد از هجرت شد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۱۷-۴۲۰).

سیاست امنیتی پیامبر (ص) در مدینه

پس از تشکیل دولت اسلامی، قدرت‌یابی آن و افزایش فزاینده شمار مسلمانان، سیاست امنیتی پیامبر نیز تغییر کرد. آمادگی و افزایش فزاینده توانایی نظامی مسلمانان امکان کاربرد راهبردهای امنیتی جسورانه‌تر و با حوزه جغرافیایی وسیع‌تری را به پیامبر (ص) داد. راهبردهای امنیتی در مکه عبارت بودند از: ۱) پیمان‌های عدم تعرض (همجواری مسالمت‌آمیز)؛ ۲) پیمان‌های صلح و ۳) جهاد:

الف) پیمان‌های عدم تعرض: یکی از راهبردهای امنیتی پیامبر (ص) در مدینه بستن پیمان‌های امنیتی عدم تعرض و یا همان راهبرد همجواری مسالمت‌آمیز بود. در سال‌های نخست استقرار دولت اسلامی در مدینه وجود قبایل، ادیان و مذاهب مختلف وضعیتی را به وجود آورده بود که

منجر به کاربرد این راهبرد شد. از یک طرف، مسلمانان نه آنقدر زیاد بودند که بتوانند در برابر همه قبایل و پیروان ادیان مختلف بایستند و از طرف دیگر، این راهبرد مانع از اتحاد بین غیرمسلمانان علیه اسلام می‌شد. پیمان‌های عدم تجاوز با سه قبیله یهودی بنی قینقاع، بنی نظیر و بنی قریظه نمونه‌هایی از این راهبرد امنیتی پیامبر بودند (سبحانی، ۱۳۶۷، جلد اول: ۴۶۱).

ب) پیمان‌های صلح: یکی دیگر از راهبردهای امنیتی پیامبر در راستای گسترش اسلام همزمان با حفظ امنیت مسلمانان، پیمان صلح بود. نمونه بارز کاربرد این راهبرد، صلح حدیبیه با اشراف مکه بود. با این راهبرد هم امنیت مالی، اعتقادی و جانی مسلمانان برای چندین سال تأمین شد و هم فرصت مناسبی برای گسترش اسلام از طریق تبلیغ آن در بین زائران مکه و افزایش ارتباط مسلمانان با مردم دیگر شهرها و مناطق فراهم شد (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۵-۱۰۴).

ج) جهاد: یکی دیگر از راهبردهای امنیتی پیامبر (ص) در مکه جهاد بود؛ این راهبرد امنیتی نسبت به دیگر راهبردهای مکی و مدینه‌ای، راهبردی غیرمحافظة کارانه بود. زمانی که پیامبر (ص) حفظ امنیت مسلمانان و اسلام را از طریق صلح و پیمان‌های عدم تعرض ممکن نمی‌دید، اقدام به جهاد و دفاع نظامی می‌کرد این رویه مبتنی بر دستورات الهی بود. آیاتی همانند آیه ۳۹ سوره حج^۱ ضرورت جهاد را به پیامبر (ص) ابلاغ می‌کرد: «(حج: ۳۹). در تفسیر نمونه این آیه نخستین آیه‌ای قلمداد شده که جهاد با کفار را جهت دفاع از اسلام و حفظ جان و مال مسلمانان تجویز کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۴۱۴). جنگ بدر، احد و احزاب در برابر قریش و قبایل متخاصم به اسلام مانند بنی لحيان، بنی ثعلبه، غطفان، بنی سلیم، بنی مصطلق، قضاعه، هوازن و ثقیف و همچنین جنگ علیه یهودیان، رومی‌ها و منافقان در مدینه از نمودهای بارز این سیاست امنیتی بود (آیتی، ۱۳۷۸: ۵۵۲).

جهاد‌های پیامبر (ص) مبتنی «اصل پیشگیری»، «اصل وسعت» و «اصل نبرد در سرزمین دشمن» بودند. در سال‌های پایانی حکومت پیامبر (ص) در مدینه، وی بارها نبردهای پیش‌گیرانه را به کار گرفته بودند؛ بارها قبل از این که دشمنان اقدام نظامی علیه مسلمانان در مدینه انجام دهند نیروهای خود را به سرزمین آنها اعزام کرده بود (Waqidi, 1996, Vol 1: 403). پیامبر برای نخستین بار این اصول را در جنگ کدر (قرقره الکدر) در سال دوم هجری علیه قبیله‌های «بنی سلیم» و «غطفان» به کار برد (Waqidi, 1996, Vol 1: 182). یکی از مهمترین جنگ‌هایی که پیامبر (ص) در آن از

۱. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ». «برای کسانی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، جایز است که از خود دفاع نمایند و با دشمنان خویش بجنگند و خداوند بر نصرت آنها تواناست.»

اصول نامبرده و نبرد پیشگیرانه در سرزمین دشمن استفاده کرد، جنگ «خندق» بود. علاوه بر این موارد، نبرد پیشگیرانه علیه قبایلی مانند «بنی اسد»، «بنی بکر»، قبیله «هوازن» و «ثقیف»، «بنی النضیر»، «خزاعه»، «بنی المصطلق» و «بنی هوازن» توسط پیامبر انجام گرفت (ابن سعد، ۱۳۷۴، (Waqidi, 1996, Vol 1: 180-185).

با توجه به این مطالب، می‌توان گفت که صلح‌طلبی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با جنگ افروزان، انعطاف در راهبردها و مهمتر «اصل پیشگیری»، «اصل وسعت» و «اصل انجام نبرد در سرزمین دشمنان از اصول سیاست امنیتی پیامبر بوده است (اسلامی و درجانی ۱۳۸۸: ۳۸). اصل وسعت بدین معناست که پیامبر (ص) در سیاست امنیتی به جای مرزهای جغرافیایی بر مرزهای اعتقادی و عقیدتی تأکید داشتند.

سیاست امنیتی امام علی (ع)

در نهج البلاغه تأمین امنیت در جامعه از اهداف عالی است: «خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت؛ بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود، بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهراً گردانیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). حضرت علی (ع) در نامه به مالک اشتر نوشتند: «از صلحی که دشمن، تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند. زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی پرهیز که بسا دشمن به نزدیکی گراید تا غفلی یابد و کمین خود بگشاید. پس دوراندیش شو و به راه خوش گمانی مرو» (نهج البلاغه، نامه شماره ۵۳). حضرت علی در این نامه به دو راهبرد امنیتی تأکید کرده است: (۱) انعقاد پیمان‌های صلح برای تأمین امنیت؛ (۲) آمادگی نظامی و پیشگیری.

در فرهنگ علوی سیاست امنیتی مبتنی بر قدرتی است که پایه‌های فکری و ارزشی در آن نقش مهمی دارد. با بررسی سیره حضرت علی (ع) می‌توان دریافت که قدرت نظامی ابزار است و به خودی خود اعتبار ندارد. اما زمانی که ظلم و تجاوز به حریم اسلام نزدیک شد، وجود آن ضروری گردید (جعفری، ۱۳۶۹). در سیره حضرت علی (ع) قدرت نظامی با اصول زیر به کار رفته است: (۱) جهاد با کسانی که دشمنی آنها با اسلام و مسلمین آشکار شده؛ (۲) تلاش برای صلح و سازش قبل از عملیات نظامی؛ (۳) پرهیز از جنگ به خاطر قدرت؛ (۴) جلوگیری از کشتار تا جای

ممکن و ممانعت از اعمال غیرانسانی. این اصول برگرفته از اصول فکری و ارزشی امام علی (ع) است که در پنج محور زیر خلاصه می‌شوند: «واقع‌نگری، حق‌مداری، کمال‌جویی، خدامحوری و انسان‌مداری». هدف کلی امام علی (ع) از سیاست امنیتی «ایجاد محیط امن برای اجرا و استقرار اسلام از طریق بصیرت دادن به نیروی انسانی و به کارگیری امکانات و تجهیزات دفاعی» تعریف می‌شود (بابایی، ۱۳۸۶: ۸۷).

حضرت علی (ع) وظیفه حکومت را سه چیز می‌دانستند: ۱- اصلاح اهل ۲- عمران بلاد ۳- حفظ ثغور. سومین وظیفه حکومت که در اینجا مورد نظر است، حفظ سرزمین اسلامی است. ایشان در این مورد به پیش‌دستی، آمادگی دفاعی و مقابله با دشمنان قبل از حمله آنها تأکید داشتند. حضرت علی (ع) در مورد مردم شهر «الانبار» که در برابر حملات نظامیان معاویه در سال ۳۸ هجری منفعل بودند، گفتند: «مردمی که از جهاد روی برگردانند، خداوند لباس ذلت بر تن آنان می‌پوشاند. نشانه‌های ذلت در آنان آشکار می‌گردد و از عدالت محروم می‌شوند». ایشان در ادامه می‌فرمایند: «شب و روز، پنهان و آشکارا شما را به مبارزه با این جمعیت (معاویه و نظامیان) دعوت کرده‌ام و گفته‌ام پیش از آن که با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید. به خدا سوگند هر ملتی که در درون خانه‌اش مورد هجوم قرار گیرد ذلیل خواهد شد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).

با توجه به این مطالب و نتایج تحقیقات بسیاری از محققان، می‌توان گفت که علاوه بر این که وحدت داخلی، جهاد و آمادگی نظامی از ارکان سیاست امنیتی حضرت علی (ع) در زمان حکومت بوده است، اقدام پیش‌گیرانه نسبت به تهدیدات دشمن هم از اصول اساسی ایشان در تأمین امنیت بوده است (اسلامی و درجانی ۱۳۸۸: ۳۸).

سیاست امنیتی در اندیشه امام خمینی (ره)

در اندیشه امنیتی حضرت امام (ره) جنگ و دفاع هم ابزاری برای تعالی و آزادی انسان است. امام خمینی (ره) در مورد دفاع از اسلام فرمودند: «ما که با قدرت‌های بزرگ دنیا مواجه هستیم، موضع دفاعی داریم یعنی ما مدافع چیزهایی هستیم نهضت و قیام ما برای ما به ارمغان آورده است و از اهداف اسلامی و از کشور اسلامی خودمان و از تمام چیزهایی که مربوط به اسلام و مربوط به کشور است در حال دفاع هستیم و در حال دفاع، بسیج باید عمومی باشد. یعنی قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع قضیه دیگر. قضیه جهاد شرایطی دارد، برای اشخاص خاصی است، لکن قضیه دفاع، عمومی است، مرد، زن، بزرگ، کوچک، پیر و جوان همانطوری که عقل انسان هم

حکم می‌کند که اگر کسی هجوم آورد برای منزل یک کسی، اهالی آن منزل، هر یک از خودشان دفاع می‌کنند» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۴۴). در سیاست امنیتی امام خمینی (ره)، دفاع واکتش مشروع انسان برای تضمین حیات مادی و معنوی و حفظ کرامت و شرف انسانی خویش در برابر مهاجم است که تکلیفی واجب و الهی است.

اندیشه و سیاست امنیتی امام خمینی (ره) محصور به مرزهای سیاسی نیست و ایشان دفاع از منافع جهانی اسلام را در نظر داشتند. زیرا محور اندیشه‌های دفاعی امام (ره)، اسلام و آرمان‌های الهی است. تأکید امام بر این بود که اگر در کشورهای افریقایی یا امریکایی هم مسلمانان از ما کمک بخواهد، وظیفه اسلامی ما است که به آنها کمک کنیم. امام (ره) معتقد بودند که در زمینه دفاع از مسلمانان و اسلام، برای ما کشور مطرح نیست آنچه مطرح است، اسلام است. به گفته ایشان، «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان راه اندازیم» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۰: ۱۶۳). در اندیشه امام خمینی (ره)، اگر در هر نقطه از جهان فرهنگ و دین اسلام مورد تهاجم قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است که دست به دفاع سیاسی، نظامی و فرهنگی بزنند. حضرت امام خمینی (ره) در کتاب تحریرالوسیله آورده‌اند: «اگر خوف آن رود که دشمن استیلا خود را گسترش دهد، در این صورت دفاع واجب می‌شود به هر وسیله‌ای ممکن» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۵۲). همچنین ایشان نوشته است: «اگر خوف تسلط دشمن کافر بر حوزه اسلام و شهرهای آن رود که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین و ذلت و تحقیر اسلام و مسلمین می‌شود، دفاع واجب می‌شود. و این دفاع یا با سلاح‌هایی که دشمن دارد و شبیه آن صورت می‌گیرد و یا با مقاومت و مبارزه منفی مانند تحریم خرید کالای دشمن و ترک کردن استعمال آنها و معاشرت نکردن با آنها به طور کلی» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۳۶). در این مطالب تأکید امام (ره) بر اصل وسعت و مرزهای اعتقادی به جای مرزهای سیاسی در سیاست امنیتی مشهود است؛ ایشان در مورد وظیفه مسلمانان در حمایت از یکدیگر و رد مرزهای سیاسی در اندیشه امنیتی - دفاعی اسلامی، فرمودند: «اگر ترس آن رود که یک کشور مسلمان مورد هجوم و حمله اجانب قرار بگیرد بر تمام دولت‌های اسلامی واجب است که از آن کشور حمایت و دفاع کنند با هر وسیله که ممکن باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۸۷-۴۸۵).

امام خمینی (ره) همچنین در جایی دیگر در مورد اهمیت ممانعت از نفوذ بیگانگان و لزوم اقدام در این زمینه فرمودند: «اگر روابط سیاسی میان دول اسلامی و دولت‌های بیگانه باعث تسلط

آنها بر مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که برقرار می‌کنند باطل است و بر مسلمان واجب است که در این مواقع رؤسای دولت‌های خود را ارشاد کنند و آنان را وادار سازند که چنین قراردادهایی را فسخ نمایند هر چند که با مبارزه منفی باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۶۲).

ایشان در اندیشه امنیتی خود به استقلال فرهنگی و بازگشت به اسلام ناب اهمیت زیادی قائل بودند و معتقد بودند که بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه نقش دارد، فرهنگ آن جامعه است و فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و اگر منحرف شود، هر چند ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی یک جامعه قوی باشد، این جامعه پوچ خواهد شد. امام خمینی (ره) انگیزه قیام و انقلاب را قرب الی‌الله و نجات مستضعفین از دست مستکبران می‌دانستند و معتقد بودند که دفاع باید در جهت مقاصد عالیة اسلام که همان تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای سیره و روش حضرت محمد (ص) است، انجام شود (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۶۴).

می‌توان گفت که سیاست امنیتی در اندیشه امام (ره) حد و مرز جغرافیایی و سیاسی نمی‌شناسد؛ امنیت مکتبی مهمتر از امنیت ملی است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۹۸). از این رو، در مسائل امنیتی در اندیشه امام (ره) حداقل در بین کشورهای اسلامی مرزبندی‌های سیاسی و ملی چندان اعتبار ندارد و آنچه اصل است امت اسلامی است (زرومی، ۱۳۷۸: ۳۵۷).

هویت اسلامی ایران و سیاست امنیتی در عراق و سوریه

با بررسی هویت اسلامی از منظر امنیتی و مشخص شدن مبانی، اصول و ارزش‌های مهم آن در ارتباط با سیاست امنیتی برای آزمون فرضیه خود در این بخش به تأثیرات این هویت بر سیاست امنیتی ایران در عراق و سوریه می‌پردازیم:

الف- تأثیر هویت اسلامی در تعریف منافع امنیتی ایران

اسلامی شدن هویت ایران منجر به بازتعریف منافع امنیتی این کشور شده است. از یک طرف، هویت اسلامی شیعی و انقلابی مرزهای منافع امنیتی این کشور را فرای مرزهای ملی و سیاسی برده است. زیرا همانطور که مشاهده شد، در اسلام دفاع و امنیت در چارچوب مرزهای اعتقادی و باوری و اصل وسعت تعریف شده است و هر جا اعتقادات و باورهای اسلامی و مسلمانان حضور

داشته باشند، منافع امنیتی هم در آنجا وجود دارد. این ویژگی منافع امنیتی متأثر از غالب بودن ویژگی «ارزشی بودن» منافع در اسلام است؛ به عبارت دیگر، منافع امنیتی ایران در گسترش نوعی از هویت اسلامی که مورد حمایت این کشور است، نهفته است. گسترش نوعی از هویت اسلامی که مخالف هویت اسلامی ایران باشد در هر منطقه و کشوری تهدید علیه امنیت ایران تلقی می‌شود؛ حال هر چه این تهدید نزدیک به مرزهای جغرافیایی سیاسی ایران باشد، مسلماً تهدیدی جدی و مهمتر تلقی می‌گردد. بنابراین باید گفت که گسترش ارزش‌ها و باورهای هویت اسلامی ایران (هویت اسلامی شیعی و انقلابی) در فرای مرزهای سیاسی و بویژه در منطقه پیرامونی کشور ایران از منافع امنیتی مهم ایران است. جنبش حوثی‌ها در یمن، جنبش شیعیان در بحرین، دولت اسد در سوریه و دولت شیعی عراق نمودهایی از گسترش ارزش‌ها و باورهای شکل دهنده به هویت جمهوری اسلامی ایران هستند. در کل باید گفت که هویت اسلامی ایران، تعریف منافع امنیتی ایران را فرامرزی و ارزشی کرده است. وضعیت بی‌ثبات کشورهای همچون سوریه و عراق هم فرصتی برای گسترش ارزش‌های اسلامی-انقلابی ایران فراهم کرده است و هم تهدیدی برای این امر است. زیرا بی‌ثباتی در این کشور زمینه را برای ظهور و گسترش نظام‌های ارزشی دیگر همچون نگرش سلفی و قرائت‌هایی چون قرائت داعش از اسلام فراهم کرده است.

ب- تأثیر هویت اسلامی ایران در تعریف مبانی سیاست امنیتی ایران

مبانی سیاست امنیتی ایران ریشه در هویت اسلامی این کشور دارد. با بررسی نگرش اسلام به امنیت و سیاست امنیتی در بخش‌های قبلی می‌توان گفت که اصول زیر مبانی سیاست امنیتی ایران را شکل می‌دهند: (۱) لزوم قیام علیه ظالمان و دشمنان ارزش‌های اسلامی؛ (۲) رد مرزهای ملی و سیاسی در تدوین سیاست امنیتی؛ (۳) دفاع از مسلمانان و اسلام در سراسر جهان؛ (۴) حفظ اتحاد و وحدت اسلامی؛ (۵) حمایت از نهضت‌های آزادی بخش و نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری بر اسلام و مسلمین؛ (۶) دفاع از سرحدات و مرزهای اسلامی؛ (۷) تلاش برای شکل دادن مقاومت در جهان اسلام و حمایت از آن.

به این نکته باید توجه کرد که منظور از اسلام در این اصول، اسلام شیعی و انقلابی است که با خوانش‌های دیگر از اسلام که توسط مذاهب، کشورها و گروه‌های دیگر مانند وهابیت، داعش یا مذاهب دیگر در این دین مطرح شده است، اختلاف دارد. این اصول منشا راهبردهای امنیتی هستند که در قالب تعریف دولت-ملت و مرزهای جغرافیای سیاسی نمی‌گنجد. از همین رو است

که جمهوری اسلامی ایران فعالیت امنیتی و نظامی در فرای مرزهای سیاسی خود را وظیفه خود می‌داند. زیرا با نگاهی اجمالی به این اصول می‌توان دریافت که محصول آنها نوعی از سیاست امنیتی - امنیتی است که حوزه آن بسیار گسترده‌تر از مرزهای سیاسی است. به عبارت دیگر، سیاست امنیتی مبتنی بر این مبانی، محدود به مرزهای جغرافیای سیاسی نیست بلکه مرز آن اعتقادی و باوری است. دفاع و حمایت از احزاب، گروه‌ها، دولت‌ها و افراد دارای هویت مشابه هویت جمهوری اسلامی ایران نتیجه این مبانی است. حمایت امنیتی و نظامی از دولت سوریه و گروه‌های اسلامی و انقلابی در سراسر جهان (مانند حزب‌الله لبنان و حماس در سرزمین‌های اشغالی) نمودهایی از تأثیرات این مبانی و اصول هستند.

پ- تأثیر هویت اسلامی در تعریف تهدیدات امنیتی ایران

هویت جمهوری اسلامی ایران ریشه در اسلام و عقاید اسلامی دارد. این هویت به اصول و مبانی سیاست امنیتی در جمهوری اسلامی ایران شکل داده است. این اصول و مبانی در قرآن، سیره و گفتار پیامبر و ائمه و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ریشه دارد. همانطور که در بخش نخست مقاله گفته شد، یکی از بخش‌های مهم امنیت ملی، احساس امنیت در مورد «هویت ملی» است. هویت ملی خود شامل ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، سیاسی، وابستگی‌های سرزمینی و تاریخی است. بنابراین زمانی که تصور شود ارزش‌های بنیادی یک دولت - ملت در معرض نابودی، تحریف و یا بی‌اعتبار شدن و به حاشیه رانده شدن است، احساس ناامنی و تهدید به وجود می‌آید. در واقع هویت ملی تهدید می‌شود. از آنجا که ارزش‌ها و باورهای بنیادین شکل دهنده به هویت جمهوری اسلامی ایران، ویژگی فرامرزی و فراسرزمینی دارد، بنابراین می‌تواند خارج از مرزهای ایران هم مورد تهدید مستقیم قرار گیرند. وضعیت منطقه در سال‌های اخیر در تصور رهبران ایران، تهدیدی مستقیم علیه ارزش‌های بنیادین و به دنبال آن هویت اسلامی ایران و امنیت این کشور بوده است. بنابراین، ایران مهمترین تهدیدات امنیتی علیه خود را در قالب موارد زیر تعریف می‌کند:

تعریف نظم سلفی‌گرا به عنوان تهدید

رهبر نظم منطقه‌ای سلفی‌گرا در منطقه غرب آسیا کشور عربستان سعودی است. این کشور به دنبال بیداری اسلامی در برخی کشورهای عربی، بعضی از اعضای اصلی نظم خود را که همان دولت‌های دیکتاتوری محافظه‌کار در کشورهای دستخوش انقلاب بودند، از دست داده است. در

برخی کشورهای دیگر مانند بحرین و اردن که دولت‌های محافظه کار و سلطنتی آنها هم بخشی از نظم سلفی و تحت رهبری ریاض هستند هم آماج تهدیدات جدی از سوی انقلابیون هستند و متزلزل و یا فراری شدند. خاندان سعودی علناً تلاش کردند از طریق خرج کردن پول، اعزام نیروی نظامی و حمایت تسلیحاتی ثبات نظام‌های سلطنتی کشورهای منطقه را تقویت کنند (کرمی، ۱۳۹۲). «شورای همکاری خلیج فارس» مهمترین نهاد و سازمان این نظم منطقه‌ای است که بررسی سیاست‌ها و مواضع آن نشان می‌دهد که این نوع نظم چه ایدئولوژی و اهدافی دارد. این شورا به منظور مقابله با خیزش مردم بحرین و با تکیه به این که اعتراضات در این کشور توطئه ایران است، رژیم این کشور را مورد حمایت مالی و نظامی قرار داده‌اند و حتی در برخی موارد به طور مستقیم به سرکوب مردم معترض پرداختند (Slackman, 2011).

نظم سلفی‌گرا با همکاری امارت متحده عربی و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، در پی نوعی بازگشت و احیای مناسبات و ساختار پیشین امنیتی در منطقه غرب آسیا است. عربستان سعودی تلاش می‌کند این کار را از طریق الگوی موازنه قدرت یا کاربرد قدرت برای مهار قدرت انجام دهد. در این راستا، بسترسازی برای دخالت بیشتر قدرت‌های فرمانطقه‌ای بویژه ایالات متحده آمریکا و انگلیس یکی از راه‌های مهم حفظ موازنه و کنترل رقبای منطقه‌ای است. عربستان برای حفظ و تثبیت نظم منطقه‌ای خود تلاش می‌کند که هر نظام مخالف این نظم را تضعیف کند. در همین راستا هم با وقوع اعتراضات در سوریه، عربستان بر عکس دیگر کشورهای دستخوش بحران سیاسی (مثل بحرین، اردن، یمن) به نفع مخالفان وارد عرصه شد. عربستان تلاش می‌کند که رویکرد تغییر رژیم را در سوریه به پیش ببرد که با توجه به ابعاد و اهمیت منطقه‌ای و استراتژیک سوریه و نوع روابط دولت بشار اسد و بویژه، جایگاه آن در محور مقاومت، قابل تحلیل است (Hassan, 2013: 17). پشتیبانی مالی و اختصاص دلارهای عربستان برای تهیه سلاح و قاچاق اسلحه به داخل سوریه، ارائه راهکارهای عملیاتی به مخالفان، مرتبط کردن رهبران آنها با رسانه‌های بین‌المللی و ایجاد فشار رسانه‌ای به کار گرفته می‌شود. همچنین، در بحث فشارها و اعزام ناظران عرب، عربستان در صدر محور عربی با هماهنگی محور غربی، سعی در بین‌المللی کردن پرونده سوریه دارد. با تحلیل سیاست عربستان در قبال سوریه، می‌توان منافع حاصله برای عربستان را در دو بعد داخلی و خارجی ارزیابی کرد. این منافع، در بعد داخلی، منحرف کردن رویکردهای بین‌المللی از اعتراضات در داخل آن کشور و صدور بحران داخلی به خارج از کشور است. در بعد خارجی، کسب حمایت آمریکا از تضعیف جایگاه دولت سوریه،

انحراف توجه‌ها از دخالت‌های نظامی عربستان در یمن، ایجاد فضای لازم برای ادامه حضور نیروهای نظامی آن کشور در بحرین و تحت فشار قرارداد سوری به دلیل حمایت از حزب الله و تعامل با ایران، در صدر این منافع است (کرمی، ۱۳۹۲).

چالش ائتلاف نظم سلفی با گروه‌های تندروی تروریستی

یکی از تحولات مهم دیگر منطقه غرب آسیا ظهور و قدرت گرفتن گروه‌های افراطی و تروریستی همانند داعش در منطقه است. بی‌ثباتی در کشورهای مجاور ایران بویژه عراق و سوریه و بی‌ثباتی ناشی از تقابل انقلابیون و حکومت‌های محافظه‌کار در کشورهای یمن، اردن و بحرین زمینه را برای قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی و افراطی مهیا کرده است. این وضعیت نه تنها منجر به قدرت یافتن سازمان تروریستی القاعده در کشورهای عربی مانند عراق، سوریه، بحرین، اردن و یمن شده است بلکه گروه‌های جدیدی مانند جبهه النصره و داعش اعلام ظهور کردند و سریعاً قدرت یافتند. غالب این گروه‌های تندرو و افراطی متشکل از سنی‌های مخالف ایران و شیعه هستند و هر یک درصدد ضربه زدن به منافع ملی و امنیتی ایران در منطقه هستند.

فعال شدن داعش و قدرت گرفتن نیروهای آن در کشورهای سوریه و عراق، کشورهای پنهان‌کننده جزء نظم اسلام‌گرای سلفی نیستند و روابط نزدیکی با ایران دارند، نشان از ائتلاف پنهان عناصر سعودی با این گروه‌های تروریستی دارد. از زمانی که نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، قدرت را در این کشور به دست گرفت و عراق متحد ایران در منطقه شد، یکی از آرزوهای ملک عبدالله، پادشاه سابق عربستان سعودی شکست او بوده است. عربستان سعودی، مالکی را مهره دست‌نشانده ایران می‌دانست و حتی از اعزام سفیر به بغداد خودداری کرده و حاکمان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان را تشویق کرد که موضعی مشابه نسبت به دولت مالکی بگیرند (Al-Khoei, 2013: 36).

اگر چه کشورهای محافظه‌کار عربی در ائتلاف ضد داعش به رهبری ایالات متحده شرکت کردند، اما به خاطر مبارزه داعش با دولت‌های عراق و سوریه می‌توان گفت حداقل چشم خود را بر حمایت عناصری از کشورشان از گروه‌های مانند جبهه النصره و داعش می‌بندند و تلاشی برای توقف جریان کمک‌های تسلیحاتی و مادی به این گروه‌ها از خاک و مرزهای کشورشان نمی‌کنند.^۱

تضعیف داعش و تحت فشار قرار گرفتن این گروه تروریستی از طرف نیروهای سوری و عراقی و همچنین تشدید ایران هراسی در ذهن رهبران کشورهای محافظه کار عربی به شکلی که ایران را خطرناکتر از داعش تلقی کنند، می‌تواند زمینه را برای اتحاد بین کشورهای عربی محافظه کار و سلفی‌گرا با شبه‌نظامیان تندرو فراهم کند. همانگونه که عربستان از گروه‌های تروریستی مانند جبهه النصره که خشونت آنها در مقایسه با داعش کمتر متوجه سنی‌ها است، حمایت می‌کند می‌تواند از نیروهای داعش به خاطر تضعیف ایران، عراق و سوریه هم حمایت کند.

تأثیر هویت بر نگرش امنیتی کنشگران دیگر به ایران

هویت اسلامی ایران با ویژگی‌های خاص خود از جمله شیعی بودن و انقلابی بودن، منجر به آن شده است که جمهوری اسلامی ایران به وسیله کنشگران متعددی تهدید امنیتی محسوب شود. شیعه هراسی و طرح سناریوی تحقق هلال شیعی به رهبری ایران نمودی از این تأثیر است. نگاه به ایران به عنوان تهدید امنیتی توسط گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورهایی مطرح می‌شود که قبل از اسلامی شدن هویت ایران از متحدان این کشور بودند (مانند کشورهای غربی) یا کشورهایی بودند که ایران را نه از نظر ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی بلکه از جنبه‌های دیگر مانند (قدرت‌یابی نظامی، اقتصادی، سیاسی منطقه) یا باورها و اعتقادات غیر اسلامی (مانند باورهای پان ایرانیسم و ضد عربی) تهدید تلقی می‌کردند. کشورهای عربی منطقه بویژه عربستان سعودی از نمونه‌های بارز از دسته دوم هستند. عربستان تا قبل از انقلاب اسلامی ایران از جنبه رقابت نظامی و اقتصادی منطقه‌ای و رقابت عرب و عجم، ایران را تهدید محسوب می‌کرد. اما هم اکنون ایران را بیش از هر چیزی تهدید اعتقادی و ارزشی علیه هویت و ارزش‌های خود تلقی می‌کند. این نگرش باعث شده است که اقدامات و کنش‌های مختلف ایران توسط کشورهای چون عربستان مهمترین تهدید منطقه‌ای تلقی شود. اقدامات و فعالیت‌های ایران در عراق و سوریه و کشورهای دیگر منطقه و کشورهای عربی - اسلامی در شمال آفریقا پس از موج بیداری اسلامی، توسط کشورهای عربی بویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس تهدید امنیتی محسوب می‌شوند. حتی برنامه‌هایی مانند برنامه هسته‌ای ایران توسط عربستان و متحدانش نیز به عنوان تهدیدی ارزشی تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

تغییر مهم در سیاست امنیتی ایران در منطقه بویژه در قبال عراق و سوریه به عنوان معلول در

تحقیقات زیادی مورد توجه قرار گرفت. در مقالات زیادی این تغییر در قالب نظریاتی مانند بازدارندگی، واقع‌گرایی تهاجمی، حمله پیش‌دستانه، اقدام پیشگیرانه و مکتب کپنهاگ و نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان تحلیل شده است. این نوشتار، درصدد یافتن متغیر مستقل ریشه‌ای‌تر و غیرمادی برای متغیر وابسته می‌باشد. متغیر موردنظر در چارچوب رهیافت سازه‌انگاری و مفهوم هویت جای گرفته و این فرضیه مطرح شد: «مهمترین عامل شکل‌دهنده به سیاست امنیتی ایران در منطقه بویژه در کشورهایی مانند عراق و سوریه، هویت اسلامی این کشور است».

رابطه هویت اسلامی و سیاست امنیتی ایران از چهار بعد مورد بررسی قرار گرفت: تأثیر بر تعریف منافع امنیتی، تأثیر بر مبانی و اصول سیاست امنیتی، تأثیر بر تعیین تهدیدات امنیتی و تأثیر بر نگرش امنیتی دیگران به ایران. در بررسی هویت اسلامی روش تحلیل اسنادی و روش تحلیل محتوا در مرحله گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها، مورد استفاده قرار گرفت. در این بررسی با تأکید بر کشف ارزش‌ها، اصول و مبانی مرتبط با سیاست امنیتی در هویت اسلامی، منابعی مانند قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه امام، صحیفه نور و آثاری از فقهای مشهور، به عنوان منابع مرجع انتخاب شدند. از بررسی برخی آیات قرآن کریم و تفاسیر آنها، نتایج زیر در ارتباط با سیاست امنیتی به دست آمد: (۱) سیاست و منافع امنیتی مرزهای ارزشی و اعتقادی دارد و به طور کلی سیاست امنیتی مطلوب به معنای گسترش ارزش‌های اسلامی است و محدود کردن ارزش‌های مخالف؛ (۲) جهاد علیه کسانی که حالت تخاصمی علیه مسلمانان دارند در هر زمان و مکانی توصیه شده است؛ (۳) اولویت داشتن جنگ با دشمنان اسلام که از نظر جغرافیایی به مسلمانان نزدیک‌تر هستند؛ (۴) اهمیت داشتن تجهیز نظامی و آمادگی امنیتی با هدف هراس افکندن در دل دشمن و بازداشتن آنها از حمله به سرزمین اسلام؛ (۵) امنیت معنای عام دارد و به طور کلی به معنای عدم سلطه و استیلای غیرمسلمانان بر مسلمانان به هر شکلی است.

در مورد سیاست امنیتی در سیره پیامبر (ص)، نتایج زیر اهمیت دارند: (۱) تأکید بر اصل «وسعت» در امنیت مسلمانان؛ (۲) تغییر راهبردهای امنیتی منطبق با وضعیت و امکانات موجود (تفاوت سیاست امنیتی)؛ (۳) استفاده از راهبردهای مخفیانه و حتی دور شدن از کفار در صورت کمبود امکانات در قیاس با قدرت دشمنان؛ (۴) استفاده از راهبردهای صلح، پیمان عدم تعرض و جهاد دفاعی و تهاجمی بر اساس وضعیت موجود.

در مورد سیاست امنیتی در سیره و گفتار و نهج‌البلاغه امام علی (ع)، می‌توان نتایج زیر را استخراج کرد: (۱) انعقاد پیمان‌های صلح برای تأمین امنیت جان، مال و ناموس مسلمانان؛ (۲)

پیشگیری از عوامل تهدید کننده امنیت مسلمانان؛ ۳) جنگ با کسانی که دشمنی آنها با اسلام و مسلمین آشکار شده است؛ ۴) تلاش برای صلح و سازش قبل از عملیات نظامی؛ ۳) پرهیز از جنگ به خاطر قدرت؛ ۵) جلوگیری از کشتار تا جای ممکن و ممانعت از اعمال غیرانسانی؛ ۶) ایجاد محیط امن برای اجرای اسلام از طریق بصیرت دادن به انسان‌ها و به کارگیری امکانات نظامی؛ ۷) ضرورت پیش‌دستی و حمله به دشمنانی که در فکر حمله به مسلمین هستند در خارج از سرزمین مسلمانان.

همچنین نتایج زیر از اندیشه امام خمینی (ره) در کتاب‌هایی چون صحیفه نور و صحیفه امام، در مورد دفاع و سیاست امنیتی قابل استنتاج است: ۱) اهمیت نداشتن مرزهای سیاسی در دفاع و جهاد اسلامی؛ ۲) توجه سیاست امنیتی به هر چیزی که مربوط به اسلام می‌شود؛ ۳) توجه به حیات معنوی مسلمانان در کنار حیات مادی در سیاست امنیتی؛ ۴) حمایت نظامی از مسلمانان خواستار کمک در هر جای جهان؛ ۵) دفاع از فرهنگ و ارزش‌های دین اسلام در سراسر جهان؛ ۶) وابسته بودن اهمیت و اعتبار منافع ملی در چارچوب منافع اسلامی.

ارزش‌ها، اصول و مبانی امنیتی و دفاعی در هویت اسلامی که بیشترین ارتباط را با موضوع مقاله حاضر دارند را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱) ارزشی بودن منافع، سیاست و تهدیدات امنیتی؛ ۲) توجه به مرزهای اعتقادی و ارزشی در سیاست امنیتی و دفاعی؛ ۳) ضرورت حفظ آمادگی و پیش‌دستی در برابر تهدیدات امنیتی علیه اسلام و مسلمین.

بنابراین با این نوع نگرش به امنیت و سیاست امنیتی می‌توان نتیجه گرفت که حضور نظامی و امنیتی ایران در کشورهای سوریه و عراق و حمایت از دولت بشار اسد، دولت و شبه‌نظامیان شیعه در عراق بر مبنای همین ارزش‌های امنیتی اسلامی صورت می‌گیرد که در کنار یکدیگر بخشی از هویت ایران را شکل داده‌اند. سیاست امنیتی ایران تحت تأثیر هویت اسلامی خود، ویژگی‌های ارزشی - اعتقادی، فرامرزی و پیشگیرانه پیدا کرده است. همین بخش از هویت است که حمایت نظامی و حضور امنیتی و نظامی ایران را در عراق و سوریه مشروع می‌کند. زیرا این سیاست منطبق با ارزش‌ها و اصولی است که اسلام در زمینه امنیت و دفاع بر آنها تأکید کرده است.

شاید این پرسش مطرح شود که هویت ایران سال‌هاست که اسلامی بوده اما تغییر در سیاست امنیتی ایران در سال‌های اخیر رخ داده است. بنابراین هویت اسلامی نمی‌تواند علت اصلی تغییر سیاست امنیتی و نظامی ایران باشد. در پاسخ باید گفت که در این مقاله به دنبال علت ریشه‌ای و ارزشی (فکری - اعتقادی) برای تغییر سیاست امنیتی ایران بودیم. درست است که هویت اسلامی

ایران سال‌هاست بر سیاست‌های این کشور از جمله سیاست امنیتی تأثیر گذاشته است اما در سال‌های اخیر این تأثیرات دوچندان شده است و فرصت تغییرات عینی و عملی یافته است. این امر در سایه بی‌ثباتی فزاینده در کشورهای منطقه محقق شده است. بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در کشورهایی چون سوریه و عراق این فرصت را به ایران داده است که سیاست امنیتی خود را بر مبنای هویت اسلامی خود تغییر دهد. از طرف دیگر، همین بی‌ثباتی فزاینده منجر به تهدید روز افزون علیه بقا و قدرت مادی و اعتقادی-ارزشی ایران در منطقه شده است. اقدامات نظامی و امنیتی عربستان نمود بارز این تهدیدات هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تغییر سیاست امنیتی و نظامی ایران و حضور نظامی-امنیتی برجسته‌تر و ملموس‌تر این کشور در سوریه و عراق ریشه در هویت اسلامی دارد. زیرا این هویت است که منافع امنیتی، اصول سیاست امنیتی-نظامی و تهدیدات امنیتی علیه این کشور را تعیین می‌کند. همچنین همین هویت در تعریف ایران به عنوان منشاء تهدیدات امنیتی توسط کشورهای دیگر بویژه عربستان تأثیرگذار بوده است. بی‌ثبات شدن منطقه در سال‌های اخیر، زمینه و فرصت را برای عینی و ملموس شدن این تأثیرات هویت بر سیاست امنیتی ایران فراهم کرده است. بنابراین باید نتیجه گرفته که علت اساسی و ریشه‌ای سیاست امنیتی ایران در کشورهای مانند سوریه و عراق، هویت اسلامی این کشور است و بی‌ثباتی فزاینده در منطقه و خلاء قدرت در این کشور به متغیر مداخله‌گر یا میانجی تنها فرصتی برای عملی شدن و ملموس شدن این تأثیرات فراهم کرده است.

منابع

الف - فارسی

- ابن سعد، محمد، (۱۳۷۴)، *طبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ اندیشه.
- ابن هشام، (۱۳۶۰)، *سیرت رسول الله (سیره النبی)*، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی (قاضی ابرقوه)، تصحیح اصغر مهدوی، جلد اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- اسلامی، مجتبی و درجانی، حسین، (۱۳۸۸)، «امنیت در اسلام: مبانی و قالب‌های فکری»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوم، تابستان، شماره ۲.
- اصفهانی، راغب، (۱۳۶۳)، *مفردات الفاظ القرآن*، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۳۶۲)، *زبدۃ البیان فی أحكام القرآن*، ترجمه و تخلص سید جعفر سجادی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- آفتاب نیوز، «رهبر معظم انقلاب: جمهوری اسلامی ایران امنیت عراق را امنیت خود می‌داند»، ۲۹ مهر ۱۳۹۳، قابل دسترس در: <http://aftabnews.ir/fa/news/267598>.
- امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه*، جلد ۱۳، تهران: مؤسسه نشر و آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سیدروح الله، (۱۳۶۸)، *صحیفه نور*، جلد اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سیدروح الله، (۱۳۷۶)، *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، قم: انتشارات آزادی.
- آیتی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۸)، *تاریخ پیامبر اسلام*، دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
- آیت الله جزایری، شریعتمدار، (۱۳۷۹) «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال سوم، شماره ۹.
- باردن، لورنس، (۱۳۷۳)، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه یمینی سرخابی و محمد آشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بابایی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، «سیاست امنیتی امیرالمومنین علی (ع)»، *مجله سیاست امنیتی*، شماره ۵۸.
- بندر ریگی، محمد، (۱۳۷۴)، *ترجمه المنجد*، جلد اول، تهران: انتشارات ایران.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، مترجم مجتبی عطارزاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بی‌بی‌سی، «آیت الله خامنه‌ای: ایران امنیت عراق را امنیت خود می‌داند»، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۴.

قابل دسترس در:

http://www.bbc.com/persian/iran/2014/10/141021_112_iran_iraq_ibadi_pm_visit_tehran

- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی ح.ا.ا. رهافت‌ها و راهبردها*، جلد اول، تهران: فرهنگ لقمان.
- تقی‌لو، فرامرز و آدمی، علی، (۱۳۸۹)، «امنیت و پیشا ارزش‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، زمستان، سال سیزدهم، شماره ۴.
- جعفری، محمد تقی، (۱۳۶۹)، *حکمت اصول سیاسی اسلام (ترجمه و تفسیر فرمان امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام به مالک اشتر)*، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- جعفری، سیداصغر، (۱۳۷۶)، *نقش امام (ره) در دفاع از ملل اسلامی و مستضعف، مجموعه مقالات چهارمین گردهمایی تبیین اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی (ره)*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام، (۱۳۹۲)، «ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پائیز، سال هفدهم، شماره ۳۳.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۶۷)، *مبانی جهاد در اسلام؛ بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع*، جلد اول، چاپ اول، تهران: ویرایش فیبا.
- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۵)، *فروغ‌ابدیت*، قم: موسسه بوستان کتاب.
- شهید ثانی (زین الدین الجبعی العاملی)، (۱۲۵۴)، *شرح لمعه*، ترجمه سید محمد کلانتر، جلد دوم، تهران: دارالعلم الاسلامی.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قاسمی، حاکم، (۱۳۷۲)، «برداشت‌های متفاوت از امنیت ملی»، *مجله سیاست امنیتی*، سال اول، شماره ۲.
- عمید، حسن، (۱۳۷۹)، *فرهنگ فارسی*، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عیسی‌نیا، رضا، (۱۳۷۹)، «فقها و مساله امنیت ملی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال سوم، شماره ۹.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۴۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد دوم، قم: مطبوعات دارالعلم.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۷۵)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، حقه و علق

- علیه لجنه من العلماء و المحققین الاخصائین، ترجمه هاشم رسولی، تهران: انتشارات فراهانی.
- کترنشتاین، پیتر جی، (۱۳۹۰)، فرهنگ امنیت ملی: هنجارها و هویت در سیاست جهانی، ترجمه محمدهادی سمتی، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 - کرمی، کامران، (۱۳۹۲)، «عربستان و بحران سوریه در روند رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
 - کریمی‌مله، علی، بابایی، اکبر و امیرخانی، کاوه، (۱۳۸۹)، «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۳.
 - لک‌زایی، نجف، (۱۳۸۵)، «اصول رهیافت امنیتی پیامبر اعظم (ص) در قرآن کریم»، دانشگاه باقر العلوم (ع)، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۵.
 - مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۹)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ترجمه و تلخیص محمدعلی آذرشب، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
 - معین، محمد، (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر اشجع.
 - مرادی، اسداله و شهرام‌نیا، امیرمسعود، (۱۳۹۴)، «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، زمستان، سال چهارم، شماره ۱۵.
 - مومن‌زاده، رضا، (۱۳۹۲)، «بازدارندگی دفاعی جدید جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه دفاع مقدس، پاییز، سال دوم، شماره ۷.
 - نیاکویی، سید امیر و ستوده، علی‌اصغر، (۱۳۹۴)، «تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۵-۲۰۱۱)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، زمستان، سال چهارم، شماره ۱۵.
 - ولی‌پور زرومی، سید حسین، (۱۳۷۸)، «جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره)»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، تابستان، شماره ۵.
 - هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، چاپ پنجم، قم: بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ب- انگلیسی

- al-Khoei, Hayder (2016) "Syria, Iraq and the Struggle for Power: Intertwined Futures", Middle East and North Africa Programme, 21 November, Available at: <https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/publications/research/2016-11-24-syria-iraq-struggle-for-power-intertwined-futures-al-khoei.pdf>.

- Al-Khoei, Hayder, (2013), *Iraq: Sunni Resurgence Feeds Maliki's Fears*, in: *Barnes-Dacey Julien and Levy, Daniel, The Regional Struggle for Syria*, London, European Council on Foreign Relations.
- Al-Waqidi, Mu ammad ibn Umar, (1996), *Al-maghazi*, London: Oxford University Press.
- Barzegar, Keyhan, (2013), "The Arab Spring and the Balance of Power in the Middle East", Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School, 30 October, Accessed on July 8, 2016, Available at: <http://www.powerandpolicy.com/2012/10/30/the-arab-spring-and-the-balance-of-power-in-the-middle-east/>.
- Bassiri Tabrizi, Aniseh & Pantucci, Raffaello (2016), "Understanding Iran's Role in the Syrian Conflict", Royal United Services Institute for Defense and Security Studies. Available at: https://rusi.org/sites/default/files/201608_op_understanding_irans_role_in_the_syrian_conflict_0.pdf.
- BBC News Online, (2014), "How ISIS is Spreading Its Message Online", 19 June, Accessed on 10 July 2016, Available at: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-27912569>.
- Fulton, W. et al (2013), "Iranian Strategy in Syria", American Enterprise Institute and Institute for the Study of War, Available at: <http://www.aei.org/publication/iranian-strategy-in-syria/>.
- Hassan, Hassan, (2013), *The Gulf States: United against Iran, Divided over Islamists*, in: *Barnes-Dacey, Julien and Levy, Daniel, The Regional Struggle for Syria*, London, European Council on Foreign Relations.
- Irna, "Zarif: Iran regards Iraq security as its own", 24 Aug. 2014, Available at: http://www.irna.ir/en/News/2735151/Politic/Zarif_Iran_regards_Iraq_security_as_its_own.
- Jeffrey T. Checkel, (2008), *Constructivism and Foreign Policy*, in *Foreign Policy: Theories, Actors, Cases*, ed. Steve Smith, Amelia Hadfield and Tim Dunne, Oxford, Oxford University Press.
- Katzenstein, P, (1996), *National Security: Norms and Identity in World Politics*, New York: Columbia University Press.
- Kant, I, (2001), *Essential Readings in World Politics*, New York: Norton and Company.

- Moshirzadeh, H, (2007), “Discursive Foundations of Iran’s Nuclear Policy”, *Security Dialogue*, Vol. 38, No. 4.
- Mandel, R., (1994), *The Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis*, Westport, Greenwood Press.
- Moslih, Hashmatallah, (2016), ‘Iran “Foreign Legion” Leans on Afghan Shia in Syria War’, Al Jazeera, January, Available at: <http://www.aljazeera.com/news/2016/01/iran-foreign-legion-leans-afghan-shia-syria-war-160122130355206.html>.
- Nabih, Bulos and Patrick J, McDonnell, (2015), “Iran’s Supermani: Fabled General, Internet Sensation”, Los Angeles Times, 4 March 2015, Available at: <http://www.latimes.com/world/middleeast/la-fg-iran-supermani-fabled-general-20150304-story.html>.
- Naylor, Hugh, (2016), “In Syria’s Aleppo, Shiite Militias Point to Iran’s Unparalleled Influence,” The Washington Post, November, Available at: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/in-syrias-aleppo-shiite-militias-pointto-irans-unparalleled-influence/2016/11/20/2f1a47c2-92cd-11e6-bc00-1a9756d4111b_story.html?Utm_term=.3bc5880abdf2.
- Ospina, Mariano and David, H. Gray, (2014), “Syria, Iran, and Hezbollah: A Strategic Alliance”, *Global Security Studies*, winter, Volume 5, Issue 1.
- Rousseau, David L. and Garcia-Retamero, Rocio, (2007), “Identity, Power, and Threat Perception; A Cross-National Experimental Study”, *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 51 No. 5.
- ShahidSaless, Shahir, (2015) “Iran’s Plan to Confront a Post-Assad Era”, Huffington Post, November, Available at: http://www.huffingtonpost.com/shahir-shahidsaless/irans-plan-to-confront-a_b_8510186.html.
- Slackman, Michael, (2011), “Arab Unrest Propels Iran as Saudi Influence Declines”, The New York Times, Feb 23, Available at: <http://www.nytimes.com/2011/02/24/world/middleeast/24saudis.html?mcubz=0>.
- Wendt, Alexander (1994), “Anarchy Is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics,” *International Organization*, Vol. 46, No. 2.
- Wendt, Alexander (1994), “Collective Identity Formation and International State”, *American Political Science Review*, Vol. 88, No 2.

- Wendt, Alexander, (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Wolfers, Arnold, (1952), "National Security as an Ambiguous Symbol", *Political Science Quarterly*, Vol. 67, No. 4, December, Pp. 481-502. Available at: <http://www.jstor.org/stable/2145138?origin=JSTOR-pdf>.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی